



مردم مریوان علی‌رغم تهدید نیروهای سرکوب دست به تجمع اعتراضی زدند

صفحه ۲

دستگیر شدگان تجمع مریوان

باید هر چه زودتر آزاد شوند

صفحه ۲

آقای سفیر "کولتورن" در مالمو سوئد با آگاهی قرارداد شما را لغو کرد نه از روی بی اطلاعی

اجازه بدهید بعنوان یکی از فراخوان دهندگان به اعتراض به سفارت جمهوری اسلامی و حضور آنها در لوند به شما نشان دهم که نه تنها کولتورن اشتباه نکرده بلکه برعکس چون واقعیت را دیده و شناخت درستی از جمهوری اسلامی دارد به درستی تصمیم گرفت به کسانی که هیچ ارزشی نه تنها برای برابری انسانها بلکه برای خود انسان هم قائل نیستند لوکال ندهد. دقیقا همانطور که آگاهانه قبول نکردند که لوکال خود را در اختیار حزب راسیستی دمکرات سوئد بدهند.

صفحه ۲

فریده آرمان

سفارت جمهوری اسلامی با دادن اطلاعاتی که در سایت خود به نهاد کولتورن در لوند انتقاد میکند که آنها توسط تعدادی گول خوردند و به علت ناآگاهی شان در مورد واقعیت ها لوکالشان را در اختیار سفارت جمهوری اسلامی قرار ندادند. سفارت سعی می کند وانمود کند که آنها به فکر راحتی شهروندان خود هستند و همه کاری که می کنند برای خدمت به ایرانیان است. اجازه بدهید تصویر واقعی را من به خوانندگان شما نشان دهم.

گامی به پیش در کارزار اعتراض علیه امنیتی کردن اعتراضات

صفحه ۳

فقط ۷ درصد از بیکاران کشور "بیمه بیکاری"

صفحه ۹

شهلا دانشفر

زیبا کلام میگوید: "آمریکا ستیزی بزرگترین مانع پیشرفت و دمکراسی در ایران است"

واقعیت چیست؟

علی جوادی

صفحه ۴

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

چند مشخصه مهم جنبش کارگری ایران در دهه اخیر

محسن ابراهیمی

صفحه ۷

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۸۱

جمعه ۱۶ مهر ۱۳۹۵، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

روز معلم و خواست حذف اتهامات امنیتی
از پرونده فعالین

دنیا باید از اعتراض به نقض حقوق بشر
در ایران فراتر برود

سپاه و معضل "براندازی نرم"

صفحه ۵

سال تحصیلی جدید، اعتراضات دانشجویی،
حق تحصیل رایگان و تغییر وضعیت موجود
پرسش از کیان آذر

صفحه ۸

گرامی باد روز جهانی کودک

صفحه ۱۰

جمهوری اسلامی باید از نمایشگاه کتاب فرانکفورت
اخراج شود!

صفحه ۱۰

مردم مریوان راه نشان می دهند

عبدل گلپریان

صفحه ۸

هشدار به ایرانیان آزادیخواه در تورنتو!

صفحه ۹

آقای سفیر ...

از صفحه ۱

سفیر در اطلاعیه خود به دو نکته اشاره می کند که هر دو حقیقت ندارد. یکی در مورد لغو قرارداد رزرو کولتورن. سفیر میگوید روز قبل از آمدنشان به لوند این قرارداد لغو شده. این واقعیت ندارد. چندین روز قبل از آمدن سفیر جمهوری اسلامی به لوند، کولتورن قرارداد را لغو کرد و اینرا رسماً اعلام کرد اما سفارت در سایت خودش چیزی نگفت. فقط نیم ساعت قبل از شروع کارشان در لوند آدرس جدید را اعلام کرد چون از تجمع اعتراضی مخالفین واهمه داشت. سفیر حکومت اسلامی همچنین گفته است که محل جدید را با همکاری وزارت امور خارجه سوئد و پلیس لوند گرفته است اینرا هم وزارت امور خارجه سوئد تکذیب کرده است:

<http://www.svt.se/nyheter/lokalt/skane/iran-ambassad-kritiserar-kulturen-i-lund>

چند میلیون ایرانی در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی مجبور به ترک ایران شده اند فقط به این علت که مورد تعقیب و تهدید قرار گرفته اند و به خاطر فرار از اعدام و شکنجه و زندان و غیره مجبور به گرفتن پناهندگی در کشورهای مختلف از جمله سوئد شده اند. سفیر جمهوری اسلامی چه توضیحی برای این دارد؟

حتماً سفیر جمهوری اسلامی خبر دارد که رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، تیمور حسینی، در دسامبر ۲۰۱۵ از توفیق ۴۰ هزار خودرو با سرنشینان بدحجاب در تهران خبر داد. طبق گزارشات دولتی یک میلیون و شصدهزار زن بدلیل عدم رعایت حجاب دلخواه حکومت در خیابانهای ایران از طرف پلیس امنیتی اخطار گرفته اند یا جریمه شده اند. اینها را سفیر بخوبی میداند. در برخی سالها این آمار به ۲ میلیون و نیم و حتی سه میلیون نفر میرسد. سفیر اینرا هم میداند که ۲۵۰۰ نفر در سه سال گذشته در دوره حکومت روحانی اعدام شده اند. میداند که صدها فعال کارگری و مخالف و منتقد سیاسی در زندان هستند و حتی از امکانات پزشکی محروم میشوند. سفیر خبر دارد که در سال گذشته در چندین مورد جوانان را بدلیل نوشیدن مشروب شلاق زند و تعدادی کارگر معدن طلائی آق دره را بدلیل اعتراض به اجحافات کارفرما شلاق زند. خبر دارد که با تحریک امام جمعه ها، ماموران سازمان یافته حکومت شروع به اسیدپاشی به صورت زنان «بدحجاب» کردند و وقتی با اعتراضات تند مردم و تجمعات کوبنده زنان و جوانان روبرو شدند عقب نشستند. ریحانه جباری دختر ۱۹ ساله ای که به قتل يك مقام امنیتی که قصد تجاوز به او را داشت هفت سال در زندان نگهداشتند و سپس



بیرحمانه اعدام کردند. نامه های ریحانه را بخوانید تا معنی دادگاه و کل سیستم قضایی در حکومت ایران را بدانید. به اینها اعدام دهها هزار زندانی سیاسی و تجاوز به دختران در زندان ها، اعدام دختران و پسران ۱۴ و ۱۵ ساله به جرم هواداری از گروههای اپوزیسیون، اعدام زنان حامله، به ازدواج درآوردن برخی زنان زندانی با ماموران شکنجه و اعدام و اسیدپاشی به صورت زنان و دست بردن و چشم درآوردن و اعدام همجنسگرایان طبق قوانین مجازات اسلامی را اضافه کنید. همه اینها را سفیر میداند و از آنها دفاع میکند و به همین دلیل سفیر این حکومت شده است. اینها هم بخشی از «خدمات» جمهوری اسلامی به مردم ایران است. اخیراً نرگس محمدی فعال حقوق زنان به ۱۶ سال زندان محکوم شده و حتی به او اجازه نمیدهند که بچه هایش را ملاقات کند. اخیراً علی خامنه ای رهبر همین آقای سفیر حکم داده که زنان حق دوچرخه سواری در اماکن عمومی را ندارند این یعنی زنان فقط می توانند در اتاق خانه شان دوچرخه سواری کنند! لیست «خدمات» جمهوری اسلامی به مردم واقعا انتها ندارد! اینها را هم سید رسول مهاجر سفیر جمهوری اسلامی در سوئد میداند و هم امروز مردم دنیا کم و بیش میدانند و ما هم بی وقعه تلاش میکنیم کل کارنامه حکومت را به اطلاع افکار عمومی دنیا برسانیم.

آقای سفیر مطمئن باشید که کولتورن اینها را کم و بیش میداند و با آگاهی از سابقه حکومت شما و با ارزشگذاری برای انسانها قراردادش را با سفارت لغو کرد. اینرا هم اضافه کنم که ما معترضین به شما چند نفر منفرد! نیستیم میلیونی هستیم. یعنی میلیونها زنی که جریمه میشوند، میلیونها کارگری که مدام اعتصاب میکنند، میلیونها جوانی که ساده ترین حق زندگی از آنها گرفته شده، دهها هزار خانواده اعدام شدگان و ...

بار دیگر از طرف هزاران ایرانی مقیم جنوب سوئد از کولتورن قدرانی میکنم. کولتورن مطمئن باشد که اقدامش از طرف اکثریت مردم ایران با استقبال روبرو میشود.

فرید آرمان مسئول سازمان حق زن

۱۶ اکتبر ۲۰۱۶



مردم مریوان علیرغم تهدید نیروهای سرکوب دست به تجمع اعتراضی زدند

مردم مریوان برای پایان دادن به مرگ و میر در این مسیر شدند. بنا به خبرهای رسیده بازار و مغازه های شهر مریوان بحالت تعطیل درآمده است. «کمپین اعتراض به وضعیت جاده مریوان سنندج» این اعتصاب را فراخوان داده بود.

روحیه مردم مریوان قابل تحسین است. با تجمع امروز مردم مریوان نشان دادند که دوره عوض شده است. نه وعده های توخالی مردم را به خانه میفرستد و نه قلدری نیروهای سرکوب.

کمپینه کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از مبارزه مردم مریوان، مردم سنندج و سایر شهرها را نیز به حمایت از خواست بحق مردم مریوان فرامیخواند.

کمپینه کردستان حزب کمونیست کارگری
۱۵ مهر ۹۵

بنا به اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، روز پنجشنبه ۱۵ مهر و بنا به فراخوان «کمپین اعتراض به وضعیت جاده مریوان سنندج» جمع کثیری از مردم مبارز شهر مریوان در میدان بیسارانی این شهر تجمع کردند. این تجمع در حالی صورت گرفت که طی دو روز گذشته تمام استاندار کردستان گرفته تا نماینده مجلس رژیم، از فرماندار مریوان گرفته تا نیروهای نظامی و سرکوب حکومت، به بهانه نداشتن مجوز تهدید کرده بودند که اجازه نخواهند داد تجمع برگزار شود چرا که دولت در صدد رسیدگی به وضعیت جاده مریوان سنندج خواهد بود. اما مردم به وعده های تکراری آنان توجه نکرده و در ادامه اعتراضات روز سه شنبه، دست به تجمع زدند و خواهان رسیدگی فوری به وضعیت جاده

دستگیر شدگان تجمع مریوان باید هر چه

زودتر آزاد شوند

بجای دستگیری به وعده هایتان عمل کنید

گسترش اعتراض خود حکومتیان را وادار کنند که دستگیرشدگان فوراً آزاد شوند. هیچ نوع وثیقه و قید و شرطی برای آزادی آنها را نباید پذیرفت.

کمپینه کردستان حزب از مردم معترض میخواهد که برای آزادی دستگیر شدگان اعتراض کنند.

کمپینه کردستان حزب کمونیست

کارگری

۱۵ مهر ۹۵، ۱۶ اکتبر ۲۰۱۶

بنا به اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب در جریان تجمع اعتراضی روز پنجشنبه مردم مریوان، شش نفر از فعالین کمپین اعتراضی توسط نیروهای سرکوب رژیم دستگیر شده اند. بهره عارفی فعال این کمپین و یکی از دستگیر شدگان است. به محض دریافت اسامی دیگر دستگیر شدگان به اطلاع خواهیم رساند. مردم مریوان در موقعیتی هستند که میتوانند با تداوم و



گامی به پیش در کارزار اعتراض علیه امنیتی کردن اعتراضات

شهلا دانشفر



زندگی و معیشت کل جامعه است. دادگاه‌های این سیستم، بیدادگاه است و وظیفه شان سرکوب اعتراضات کل جامعه است. دادگاههایی بدور از چشم جامعه که با هزار جور توطئه و پاپوش دوزی، رهبران و فعالین کارگری و مردم معترض را به محاکمه میکشد تا جامعه را عقب بزند و جلوی سازمانیابی جنبش‌های اعتراضی ای که هر روز قدرتمند تر به جلو می‌آید را بگیرد. جمهوری اسلامی از برپایی دادگاههای علنی و مقابل چشم جامعه وحشت دارد. از اعلام اینکه جرم کارگر و معلمی که در زندان است، مبارزه برای حق و حقوقش وحشت دارد و با انگ امنیتی و پاپوش دوزی میکوشد، صدای اعتراض آنان را خفه کند.

مبارزه علیه فقر و فلاکت و جهمی که به زندگی و معیشت کل جامعه تحمیل شده است، جرم نیست. زندگی انسانی حق کارگران و کل جامعه است. باید تمامی پرونده‌های تشکیلی شده برای کارگران، معلمان و مردم معترض تحت اتهامات امنیتی فوراً باطل و احکام صادر شده برای آنان لغو شود. بهنام ابراهیم زاده و همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.



تجمع اعتراضی ۲۰۰ نفر از کارگران صنایع معادن و هزی خلیج فارس در مقابل استانداری

دهها و صدها نفر دیگر از رهبران اعتراضات کارگری در معادن و صنایع تولیدی خدماتی، کسانی نیستند که با زندان و پرونده سازی دست به عقب نشینی از خواستههای بر حق و انسانی شان بزنند. این، آن چیزی است که حکومتگران از درک آن عاجزند و به همین دلیل پاسخ حق خواهی چنین انسانهای شریف و جسوری را با اتهامات واهی امنیتی و زندان و سرکوب میدهند."

اتحادیه آزاد کارگران ایران در این بیانیه بر روی این حقیقت آشکار که رژیم اسلامی با سرکوب راه به جایی نمی‌برد و کارگران در دفاع از زندگی و معیشتشان ساکت نمی‌مانند، تاکید گذاشته است. اعتراضات گسترده کارگری، کمپین وسیع اجتماعی علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم جامعه که در اعتراضات اخیر معلمان، درخشش دیگری داشت، موج جدید اعتراضات معلمان همه و همه نشانه‌هایی بر صحت این ادعاست.

پرونده‌های امنیتی تشکیلی شده برای کارگران، معلمان و مردم معترض بخاطر مبارزات برحق شان برای داشتن يك زندگی انسانی، نشانی آشکار از جنایت هر روزه دستگاه قضایی جمهوری اسلامی و قوانین عصر بربریت آن در قبال

ها و مصاحبه‌های این دو فعال کارگری پیرامون مسائل کارگری بود. که در برابر این اتهامات جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد از فعالیتهای مبارزاتی خود و اتحادیه آزاد کارگران ایران دفاع کردند و با رد اتهامات وارده، خواهان برداشته شدن اتهامات امنیتی از روی پرونده‌های تمامی فعالین کارگری شدند.

همچنین خواست اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده از سوی "دیوان عالی کشور" رد شده است. و در اعتراض به این موضوع اتحادیه آزاد کارگران ایران بیانیه ای داده است که در بخشی از آن چنین آمده است:

"رد اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در رابطه با محکومیت شش ساله اش و همزمان با آن برگزاری جلسات محاکمه در دادگاههای کیفری و انقلاب شهرستان ساره بر علیه وی و شاپور احسانی راد، بیانگر اصرار مسئولین قضائی و امنیتی جمهوری اسلامی بر تداوم امنیتی کردن فعالیتهای صنفی - مدنی و دهان کجی به خواست میلیونها کارگر و معلم در ایران و دهها سازمان جهانی و کشوری کارگران و سازمانهای حقوق بشری در سطح جهانی برای پایان دادن به امنیتی کردن فعالیتهای صنفی - مدنی و برداشتن اتهامات امنیتی از روی پرونده‌های فعالین این جنبشهاست."

در ادامه این بیانیه به لیستی از فعالین کارگری و معلمان معترض اشاره شده است که با اتهاماتی امنیتی احکام زندان گرفته اند و چنین آمده است:

"وی و صفی از رهبران کارگری و معلمان همچون عبدیها، بدافی ها، بهشتی ها، صالحی ها، رضویها، مددیها، باغانی ها، خواستارها، نجاتی ها، شهابی ها، بهنام ها، جراحی ها، شاپورها و

که در این کارزار به جلو برمی‌داریم، مبارزات کل جامعه در موقعیت قدرتمند تری قرار میگیرند. این کارزار يك گام مشخص روشن برای آزادی زندانیان سیاسی و در دفاع از آزادی‌های پایه ای سیاسی در جامعه است. معنای مشخص این کارزار دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، آزادی بیان و ... و مهم است که يك بند اعتراض هر حرکتی در جامعه فوکوس بر روی همین خواستهها باشد.

هم اکنون شمار بسیاری از کارگران، معلمان، دانشجویان و مردم معترض بخاطر مبارزاتشان در دفاع از معیشت و آزادی، تحت عناوینی چون اخلال در نظم و امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه نظام و ... احکام سنگین زندان گرفته و تحت پیگرد هستند.

بهنام ابراهیم زاده از چهره‌های شناخته شده کارگری با اتهاماتی از همین دست در زندان است.

جعفر عظیم زاده بر اساس چنین احکامی ۶ سال حکم زندان دارد و علیرغم اعتراضات جانانه اش علیه چنین احکامی و کارزار وسیعی ای که در دفاع از او به راه افتاد و علیرغم خواست مشخص وی مبنی بر اعاده دادرسی پرونده اش، در پرونده جدیدی به همراه شاپور احسانی راد یکی از دیگر از چهره‌های شناخته شده کارگری به دادگاه احضار شده است. در این پرونده آنان متهم به "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور و تبلیغ بر علیه نظام جمهوری اسلامی، تشویش اذهان عمومی و اخلال در نظم عمومی و جعل عنوان و شغل مرتبط با دادن مشاوره حقوقی به کارگران" شده‌اند. بر اساس همین

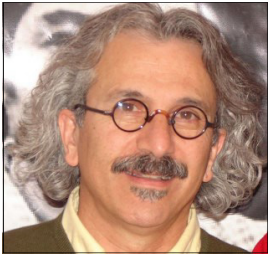
اتهامات آنها در ۱۴ مهر ماه دادگاهی شدند و مصادیق این اتهامات تشکیلی و مدیریت اتحادیه آزاد کارگران ایران و مقاله

اعتراض علیه امنیتی کردن اعتراضات کارگران، معلمان، و مردم معترض امروز بیش از پیش ابعادی اجتماعی گرفته است.

خواستههایی چون مختومه کردن پرونده‌ها و پرهیز از پرونده سازی و امنیتی کردن مراکز آموزشی، توقف اجرای احکام برای فعالین معلم چون بدافی، عبدی، باغانی، هاشمی و بهشتی و پایان اعمال فشار علیه کانون‌های صنفی فرهنگیان و رفع موانع موجود در مسیر فعالیت این کانون‌ها و همکاری در جهت برگزاری هرچه سریعتر مجامع عمومی آنها، صدور پروانه فعالیت برای تشکل‌های بلا تکلیف در اسرع وقت و حمایت قضایی دفتر حقوقی وزارت آموزش و پرورش از فعالان صنفی، فرهنگی از جمله بندهای مهم قطعنامه‌های تجمع هزاران نفره معلمان بازنشسته در ششم مهر ماه و بیانیه‌های مختلف کانون‌های صنفی معلمان به مناسبت روز جهانی معلم بود. بدین ترتیب کارزاری که با بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری و اسماعیل عبدی از رهبران معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر امسال داده شد و ابعاد اجتماعی گسترده‌ای پیدا کرد، اکنون با به میدان آمدن مجدد معلمان، و محور قرار گرفتن موضوع آن در خواستههای اعتراضی آنان، این جنبش اعتراضی شتاب بیشتری پیدا کرد و بیش از پیش ابعاد اجتماعی آن به نمایش گذاشته شد.

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض، خواست مشخص لغو تمامی پرونده‌های مفتوحه با اتهامات امنیتی چون "اخلال در نظم و امنیت ملی" کارزاری است که مستقیماً سرکوبگری‌های رژیم اسلامی را نشانه می‌برد و به لحاظ سیاسی بسیار مهم است. هر قدمی

زیبا کلام میگوید: "آمریکا ستیزی بزرگترین مانع پیشرفت و دموکراسی در ایران است" واقعیت چیست؟



علی جوادی

این از گفته های اخیر صادق زیبا کلام از اعضای کادر علمی دانشگاه تهران و از تئوریسین های حکومت "تدبیر" و "اعتدال" و جنبش اصلاح طلبی حکومتی است. ایشان تاکنون بنا به دلایلی توانسته است از تیغ جناح راست در امان بماند. ایشان هر از گاهی سخنانی میگوید که از دید جناح راست و ایدئولوژی حاکم بر حکومت اسلامی تابوی محض است، اما از قرار ددسری هم برای ایشان به دنبال نداشته است.

را بطور آزمایشی و قبل از ارائه رسمی و بمنظور درک واکنش جناح رقیب و جامعه مطرح میکنند. به همین اعتبار در خط مقدم نظر سنجی این جناح در سطح جامعه قرار دارد. مکنونات قلبی این جناح را شفاف تر و خام تر مطرح میکنند. نقش ایشان در جریان مذاکرات ۱+۵ و حکومت اسلامی از چنین جایگاهی برخوردار بود. زبان صریح تر سیاستهای اصلی این جناح بود. اکنون نیز به مساله جدی و تعیین کننده ای در سرنوشت حکومت پرداخته است. مساله رابطه با آمریکا، این مساله دارد میروید که به گرهی ترین معضل حکومت اسلامی تبدیل شود.

واقعیت این است که تصویر دو جناح اصلی حکومت اسلامی از مناسبات با آمریکا یکسان نیست. جناح راست بمنظور برداشتن تحریمهای اقتصادی تن به یک سازش تاکتیکی داد. خامنه ای این چرخش سیاسی را "ترمش قهرمانانه" نام نهاد. اما تاکید کرد که این "ترمش" موقت است. تک نوبتی است. استراتژیک نیست. و به محض اینکه این مذاکرات به نتیجه ای رسید، پروسه غرولند در مورد رابطه با آمریکا را از سر گرفت. این جناح هویتش را به سیاست کور "آمریکا ستیزی" گره زده است. بدون تشدید تخاصمات در این چهارچوب قادر نیست تعادل خود را حفظ کند. بدون این سیاست دچار تناقض و گیج سری میشود و خود را در سراسیمگی سقوط می بیند.

از طرف دیگر جناح روحانی - رفسنجانی عملا قضیه را بر عکس می بیند. بقای عمر حکومت اسلامی را در برقراری رابطه و نرمالیزه کردن مناسبات حکومت اسلامی و غرب، و مشخصا آمریکا، جستجو میکنند. تصور میکنند زمانیکه که بر کوهی از نفرت و انزجار توده های مردم قرار دارند، تنها شانس و برگ برنده شان

نفس همین مناسبات است. از این رو از پروسه مذاکرات ۱+۵ تصویری استراتژیک داشتند. از این رو در پس هر پیچی مجددا این سیاست را هر منفذی وارد مجادلات جناحی میکنند. "جسارت" برخی چهره های این جناح ناشی از موقعیت خطیری است که حکومت اسلامی در آن گرفتار است.

اما هر دو جناح اشتباه میکنند. تشدید سیاست کور ضد آمریکایی گری جناح راست و مانورهای کودنانه نیروهای سپاه و سایر نیروهای سرکوب رژیم اسلامی، عملا رژیم را در پروسه ای قرار میدهد که بخاطر اجتناب از آن خامنه ای ناچار شد تن به سیاست "ترمش قهرمانانه" دهد. اقدامی که در صورت پافشاری بر آن رژیم اسلامی را در مسیر غیر قابل برگشتی قرار میدهد. از طرف دیگر این تصور جناح "اعتدال طلب" که گویا با نرمالیزه کردن مناسبات با غرب عملا بر عمر سپاه حکومت اسلامی افزوده است، کاملا بوج و غیر واقعی است. واقعیت این است که هرگونه نرمالیزه کردن مناسبات حکومت اسلامی با غرب عملا مستلزم چرخشها و جدالهای سهمگینی در درون حکومت اسلامی و تضعیف موقعیت راس حکومت و جناح راست است. اقدامی که آن جناح به سادگی به آن تن نخواهد داد. بعلاوه هر گونه تغییر و تحولی در جهت نرمالیزه کردن مناسبات این حکومت با غرب قبل از اینکه به نتایج مورد نظر این جناح منجر شود، به تغییر موقعیت رژیم اسلامی در قبال مردمی که در کمینش نشسته اند، منجر خواهد شد. این چرخشها برای مردم نشان ضعف و چرخشهای استراتژیک در حکومت و سوت تعرض به رژیم اسلامی برای بزیر کشیدن آن و تعرض به کلیت حکومت اسلامی است.

"مانع پیشرفت و دموکراسی"

زیبا کلام با سادگی نه چندان معصومانه ای اعلام کرده است که: "آمریکا ستیزی بزرگترین مانع پیشرفت و دموکراسی در ایران است". ظاهرا ما باید از ایشان و سایر دلسوزان و نظریه پردازان رژیم اسلامی بپذیریم که درد واقعی این جناح و یا سایر جناحهای حکومت اسلامی مساله "پیشرفت جامعه" و یا مساله "دموکراسی"، حال به هر اعتباری، در جامعه است. اما نه! چنین تصور خامی مجاز نیست. مساله این نیروها نه موانع "پیشرفت" و نه موانع "دموکراسی" در جامعه است. هدفشان مستقل از کشمکشها و دعوای جناحی و تیغ کشیدن بر یکدیگر، حفظ حاکمیت اسلامی است. اگر تغییر و تفاوتی است، بر سر مختصاتی است که میتواند بقا و دوام این حکومت سیاه را تضمین کند. درد هیچکدام از جناحهای رژیم اسلامی از ابتدای استقرار خونین شان تا به امروز نه پیشرفت جامعه و نه "دموکراسی" بوده است. هدفشان تنها و تنها بقا و چپاول اموال مردم است. این فلسفه وجودی چنین حکومتی است.

اما بگذارید برای لحظه ای هم که شده واقعیات را فراموش کنیم و خود را به سادگی زده و در این سؤال زیبا کلام شریک شویم و به این سؤال پاسخ دهیم. پاسخ ما روشن است. از نقطه نظر حزب کمونیست کارگری، اساسی ترین و عمده ترین مانع "پیشرفت" جامعه نفس وجود حاکمیت سیاه اسلامی است که با اعدام و شکنجه و زندان و شلاق تاکنون دوام آورده است.

مانع هر ذره پیشرفتی در جامعه در درجه اول نفس وجود حکومت اسلامی است. مانع هر درجه آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، و پیشرفت مدنیت و حرمت انسانی وجود حاکمیت اسلامی در جامعه است. برای قرار دادن جامعه بر مسیر پیشرفت و ترقی در درجه اول باید حکومت آدمکشان اسلامی را با اعتراض و جنبش انقلابی سرنگون کرد.

از طرف دیگر اگر منظور ایشان از "دموکراسی" اساسا دموکراسی لیبرال و یا مفاد بیانیه حقوق بشر است. باز باید گفت که تحقق چنین مطالباتی در جامعه در درجه اول مستلزم بزیر کردن همه جانبه رژیم اسلامی و خلاصی از زنجیرهایی است که این حکومت بر جامعه کشیده است. استقرار چنین مطالباتی نیازمند سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، استقرار یک حکومت سکولار، مستلزم آزادی و رهایی زنان، مستلزم خلاصی جوانان و نابودی فقر و فلاکت عظیم حاکم بر جامعه است. در پایان باید به این نکته اشاره کرد که "پیشرفت و دموکراسی" در جوامع سرمایه داری از نوع ایران عملا قابل جمع نیستند. اگر از "پیشرفت" منظور پیشرفت شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی توده های جامعه مد نظر باشد، باید هزار بار تاکید کرد که تحقق چنین پیشرفتی نه تنها مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی است بلکه در اساس نیازمند تعیین و تکلیف قطعی و خلع ید از سیاسی و اقتصادی از مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری است. تنها و تنها یک جمهوری سوسیالیستی مستلزم آزادی، برابری، رفاه و سعادت انسانها است. راه دیگری نیست!

معضل رابطه با آمریکا

زیبا کلام تاکنون از نوعی مصونیت سیاسی برخوردار بوده است. این مصونیت را باید گفت ایشان به درجات زیادی مدیون حمایت ائتلاف باند روحانی - رفسنجانی است. زیبا کلام سیاستهای این باند

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

روز معلم و خواست حذف اتهامات امنیتی از پرونده فعالین

"دولت فعلی از دعای دولت قبل علیه فعالان صنفی و مدنی صرف نظر نکرده است و پرونده فعالان صنفی معلمان همچنان در محاکم قضایی مفتوح و برای تعدادی از افراد بر همین اساس و در زمان همین دولت، آرای محکومیت صادر و اجرا گردیده است ...

برای فرهنگیان کشور در بر همان پاشنه می چرخد و ادعای دولت مبنی بر حذف نگاه امنیتی به فعالیت های مدنی بیشتر به یک طنز شباهت دارد. دولت کنونی حتی در هیات های تخلفات اداری و حراست ها و وزارت اطلاعات که مستقیماً تحت نظر خودش است، نسبت به رفع سوء پیشینه های ساختگی برای فعالان صنفی و لغو احکام دولت قبل، قدمی برداشته است. این بخشی از بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان سراسر کشور به مناسبت روز معلم است.

مخالفت با پرونده سازیهای امنیتی برای فعالین جنبش کارگری و معلمان و خواست حذف اتهامات امنیتی اولین بار در ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر در بیانیه عبدي-عظیم زاده مطرح شد و اکنون در روز معلم شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان در بیانیه خود بر آن تاکید میکند. این تجلی پیوند و همبستگی جنبش کارگری و جنبش معلمان و اولین گام در مقابله با بازداشتها و محاکمات فعالین صنفی و

سیاسی و مدنی است. پرونده سازی امنیتی علیه فعالین جنبش کارگری و جنبش معلمان و همه افرادی که جرمی بجز دفاع از حقوق و معیشت و منزلت انسانی ندارند یک شیوه همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. نه تنها در دوره دولت فعلی و یا قبلی بلکه در تمام دوران حاکمیت جمهوری تحت عناوین بخطر افتادن امنیت ملی، توطئه ضد انقلاب، براندازی نرم و غیره فعالین جنبشهای اعتراضی بازداشت و زندانی و بعضاً به اعدام محکوم شده اند. باید این اسلحه را از دست حکومت خارج کرد. مخالفت با پرونده سازیهای امنیتی از جانب فعالین جنبشهای اعتراضی اولین گام در این مبارزه مشترک است. زنان و جوانان معترض و فعالین مبارزه علیه بی حقوقی زن و آپارتاید جنسی و علیه مجازات اعدام، و جنبش دفاع از حقوق کودک و جنبش سکولاریستی و جنبش حفظ محیط زیست و سایر کارزارها و جنبشهای اجتماعی نیز باید به کارگران معلمان به پیوندند و در گفتمانها و بیانیه ها و اعتراضات خود خواست حذف اتهامات امنیتی از پرونده همه فعالین مدنی و صنفی و سیاسی را با صدای بلند اعلام کنند. این یک رکن مهم مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و برای آزادی بیان و عقیده و مطبوعات و حق تشکل و اعتراض در جامعه است.

دنیا باید از اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران فراتر برود

ادیت اقلیت‌های مذهبی اشاره کرد. از یک راسیست پرسیدند چرا با سپاه‌پوستان دشمن هستید گفت این ادعا بی اساس است، ما با "کاکاسیاه ها" دشمنی ای نداریم! حالا حکایت جمهوری اسلامی است. با "فرقه ضاله" بهائیت دشمنی ندارد! اما آزار و اذیت اقلیت‌های مذهبی تنها بخشی از جنایت جمهوری اسلامی است و حتی در همین مورد هم "نقض حقوق بشر" حق مطلب و واقعیت ابعاد جنایات حکومت را بیان نمیکند. بهائیتها به فتوای خامنه ای نجس محسوب میشوند و جمهوری اسلامی زندگی بسیاری از آنان را تباه کرده است. این حکومت نه تنها با حقوق بشر بلکه با نفس زندگی بشر، با منزلت و معیشت

به گزارش خبرگزاریها هفته گذشته بان کی مون دبیر کل سازمان ملل در گزارش به مجمع عمومی این سازمان از شرایط حقوق بشر در ایران "نسبت به روند اعداها، مجازات شلاق، بازداشت های خودسرانه، دادگاههای نا عادلانه، و احتمال شکنجه در بازداشتگاهها و زندانهای جمهوری اسلامی به شدت ابراز نگرانی کرد". سایت خبرنگاران جوان که يك سایت وابسته به سپاه پاسداران است این گزارش را "بی اساس و نادرست" خوانده است اما دم خروس پایمال کردن حقوق مردم حتی از همین دفاعیه سپاه بیرون میزند. در معرفی موارد ذکر شده در گزارش بانکی مون می نویسند "از دیگر موارد قابل توجه در این گزارش می توان به حمایت مجدد دبیرکل سازمان ملل از فرقه ضاله بهائیت و ادعای آزار و

سپاه و معضل "براندازی نرم"

"بدون شك اگر در جریان فتنه ۸۸ نیروهای بسیج و سپاه ورود نمی کردند امروز چیزی از انقلاب باقی نمانده بود."

یکی از فرماندهان سپاه

ترجمه این گفته به زبان آدمیزاد اینست "بدون شك اگر در جریان انقلاب ۸۸ نیروهای بسیج و سپاه مردم را سرکوب نمی کردند امروز چیزی از جمهوری اسلامی باقی نمانده بود".

بعد از گذشت ۶ سال هنوز کابوس "فتنه ۸۸" دست از سر حکومتها برنداشته است. بخوبی میدانند که اکثریت قریب به اتفاق مردم از حکومتشان متنفرند و انقلابی عظیم تر از ۸۸ در راه است. اما معضل مقامات تنها برآمد انقلابی در آینده نیست، بلکه اعتراضات و مبارزات گسترده بخشهای مختلف جامعه در همین امروز است. این سردار سپاه مدعی است: "نیروهای سپاه در تمام عرصه های جنگ نرم حضور دارند و اجازه نمی دهند دشمنان با نفوذ فرهنگی به بدنه جامعه نقشه‌های شوم خود را عملی کنند."

اینجا هم باید از زبان آخوندی کشف رمز کرد. منظور از "جنگ نرم" بجالش کشیدن اسلام و قوانین و مقدسات ضد زن و ضد شادی اسلامی است و "دشمنان" هم توده مردمی هستند که هر روز دارند این قوانین و مقدسات را زیر پا میگذارند. خیزش ۸۸ تنها یک نقطه اوج در مبارزاتی بود که قبل از آن در جامعه وجود داشت و بعد از ۸۸ نیز در ابعاد وسیعتر و عمیق تر ادامه یافت. در زبان مقامات "جنگ نرم" و یا "براندازی نرم" اسم رمز این جنبش توده ای مردم علیه کلیت جمهوری اسلامی است.

این جنگ مردم علیه حکومت چنان گسترده و تعرضی است که حتی صفوف حکومتی ها را به هم ریخته است و از کشتارهای دهه شصت تا دزدیهای میلیاردی و حقوقهای نجومی و از جمله نقش

اقتصادی سپاه و انحصارش بر بازار قاچاق و بنادر و فرودگاهها و منابع مالی کشور را به موضوع کشمکش میان مقامات و باندهای مافیائی حاکم تبدیل کرده است. یکی از دلایل اظهارات جناب سردار در واقع دفاع از سپاه در نزاعهای درون حکومتی است. ایشان میگوید: "برخی از حضور سپاه در طرح های اقتصادی کشور گلایه دارند و می گویند درآمدزایی هدف تشکیل سپاه نبوده است. واقعیت این است سپاه برای اجرای پروژه هایی ورود می کند که به اعتبار و هزینه زیادی نیاز دارند و دولت به تنهایی نمی تواند از عهده اجرای آنها بر بیاید. ... در حال حاضر سپاه تنها در طرح های اقتصادی بالای صد میلیارد تومان مشارکت دارد و در اجرای پروژه هایی که کلان نیستند دخالتی نمی کند." البته بازار قاچاق و کاسبی تحریم و پولشویی و زمینخواری و صدها مورد دیگر دزدی و چپاول را هم باید به این پروژه های بالای صد میلیارد تومان افزود تا جایگاه واقعی سپاه در اقتصاد مافیائی حکومت روشن بشود. جناب سردار اضافه میکنند "علیرغم تمام بدخلقی ها و نامهربانی هایی که در حق سپاه می شود این نیرو هیچ هدفی جز خدمت به مردم نداشته و حفظ آبروی نظام را مهمترین اولویت خود قرارداده است."

اما کار از حفظ آبرو برای نظام رسوای جمهوری اسلامی گذشته است. سپاه پاسداران نماد و مظهر کل جنایت و چپاولی است که جمهوری اسلامی نامیده میشود. جامعه این نظام را نمیخواهد و بدخلقی ها و نامهربانی های درون صفوف حکومتی نیز تنها بازتاب تنفر توده مردم از نظام جمهوری اسلامی است. آنچه مقامات حکومتی "جنگ نرم" مینامند تا رسیدن به پیروزی نهائی مردم، یعنی درهم کوبیدن ماشین غارت و جنایت حاکم ادامه خواهد داشت.

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

اعتراضات معلمان و اعتراضات گسترده کارگری از جمله اتفاقات مهم در جنبش اعتراضی کارگری در هفته گذشته گذشته است.

معلمان بازنشسته تا رسیدن به خواسته‌هایشان به تجمعات خود ادامه میدهند

معلمان بازنشسته در ادامه اعتراضات گسترده شان در ششم مهر ماه برای پیگیری خواسته‌های خود تجمع بعدی خود را برای روز ۲۶ مهر ماه در ساعت ۱۰ صبح مقابل سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده اند. معلمان بازنشسته خواسته‌های خود را در تجمعات قبلی با شعارهایی چون خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون، بیمه کارآمد درمان رایگان است، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، و در اعتراض به تبعیض‌ها و حقوق‌های نجومی مقامات و حقوق‌زیر خط فقر معلمان اعلام داشتند. این شعارها بیش از پیش خواسته‌ها و مبارزات معلمان بازنشسته را با معلمان شاغل، کارگران و بخش عظیمی از جامعه گره زده و صدای اعتراض همه مردم را نمایندگی میکند.

روز جهانی معلم و ترمز شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور

طی نشست که نمایندگان کانون‌های صنفی معلمان در ۲۳ و ۲۴ شهریور در اردیلب داشتند، تصمیم گیری شده بود که معلمان روز جهانی معلم را در سطحی سراسری گرامی بدارند. ۲۸ کانون صنفی معلمان از شهرهای مختلف بیانیه ای را به مناسبت این روز امضا کردند. معلمان از شهرهای مختلف در تدارک این روز بودند که ناگهان یک شب مانده به ۱۴ مهر که روز معلم است، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور اعلام داشت که فراخوانی به این مناسبت ندارد و فراخوانهای اعلام شده برای این روز را جعلی خواند.

بدین ترتیب این شورا با بهانه‌هایی چون تجمع ممکن است، به

برپایی مجامع عمومی کانون‌های صنفی که مجوزش را توانسته اند بگیرند، لطمه زند، و پیش کشیدن امنیت و غیره عملاً ترمیزی در مقابل حرکت به پیش معلمان شد. غافل از اینکه حتی همین مجوزی که برای برپایی مجامع عمومی کانون‌های صنفی داده شده است، نتیجه مبارزات جانانه معلمان است. و اتفاقاً هر گونه عقب کشیدنی در مبارزات زمینه را برای پس گرفتن همین دستاوردهای تاکنونی شان بازتر خواهد کرد.

نتیجه این عمل شورای هماهنگی متفرق شدن صف اعتراض معلمان برای به میدان آمدن آنان برای پیگیری خواسته‌هایشان در این روز مهم بود. اما این اتفاق خود آزمون خوبی برای شناختن رهبران واقعی برای معلمان است. خصوصاً امروز که معلمان در تدارک برگزاری مجامع عمومی خود و انتخابات اعضای هیات مدیره و سخن‌گویان تشکلهایشان هستند، این اتفاق بیش از پیش آنان را نسبت به برگزیدن نمایندگان واقعی شان که در تمام لحظات با آنان باشند و اعتراضشان را نمایندگی کنند، هوشیار تر میکند.

از جمله بعد از بیانیه ناگهانی شورای هماهنگی بحث‌های بسیاری در میان معلمان در گروه‌های اعتراضی تشکیل شده شان در مدیای اجتماعی به راه افتاد. سرانجام تعدادی از معلمان در تهران در مقابل مجلس و در شهرهای مشهد و کرمانشاه با حضور در مقابل مراکز آموزش و پرورش روز جهانی معلم را گرامی داشتند. در این رابطه یکی از معلمان که در تهران تجمع داشتند، در گزارشی که منتشر شده چنین مینویسد:

"امروز برای تجمع به مناسبت روز جهانی معلم به مقابل مجلس رفتیم. علیرغم بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور که فراخوان ۲۸ کانون صنفی را کنسل اعلام کرده بود ما به آنجا رفتیم تا پیام خود را به آنان برسانیم و بگویم نمیتوانند از بالای سر ما تصمیم بگیرند و ما پیگیر خواسته‌هایمان هستیم، چه با

تجمع، چه با پلاکاردها و بیانیه‌هایمان. ما جواب میخواهیم. ما زندگی زیر خط فقر نمیخواهیم. ما خواستار ساماندهی مدارس با استانداردهای جهانی هستیم. ما همانطور که همکارانمان در بیانیه خود در گیلان اعلام کرده اند، خواستار ساماندهی مدارس با استانداردهای جهانی هستیم. ما میخواهیم پرونده‌های امنیتی تشکیل شده برای معلمان مختومه شود. به امنیتی کردن آموزش و پرورش خاتمه داده شود. معیشت منزلت حق مسلم ماست."

خواسته‌های معلمان روشن است. معلمان با شعار "خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون"، اعتراض خود را به حقوقهای زیر خط فقر و به تبعیض و نابرابری اعلام داشته و در قطعنامه‌هایشان بر خواسته‌های مهمی چون افزایش دستمزدها به بالای خط فقر، تحصیل رایگان، آموزش یکسان برای همه و لغو مدارس خصوصی، بازسازی مدارس نا امن و... تاکید گذاشته اند. اسماعیل عبدی از رهبران اعتراضات معلمان در بیانیه مشترکی با جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری کارزاری را علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض برپا کردند که جنبشی حول آن شکل گرفته است. از جمله یک بند بیانیه‌های معلمان به مناسبت روز جهانی معلم پایان دادن به امنیتی کردن آموزش و پرورش است. معلمان پیگیر خواسته‌هایشان هستند.

سرتیترهایی از اعتراضات گسترده کارگری

اعتراضات کارگری هر روز گسترده تر به جلو میرود. علاوه بر اعتراضات معلمان سرتیترهای دیگر اخبار اعتراضات کارگری در هفته ای که گذشت را در زیر میبینید و اعتراضاتی با چنین ابعاد نشان از فضای پر جنب و جوش کارگری دارد: تجمع اعتراضی کارگران مجتمع آلومینیوم المهدی- هرمزآل در اعتراض به کاهش حقوقهایشان، تجمع اعتراضی کارگران اخراجی حمل بار فرودگاه مهرآباد در اعتراض به اخراج ناگهانی خود مقابل

ساختمان ترمینال شماره ۲، تجمع اعتراضی اعضای تعاونی مسکن فاز ۵ هشتگرد مقابل مجلس و بلاتشکیلی ۳۰ هزار عضو این تعاونی، اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری دزفول در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم دریافت چند ماه حقوق، اعتراضات کارگران آزاد راه تهران به تعویق پرداخت دستمزدها و ناامنی شغلی، آغاز دورجدید اعتراضات کارگران پتروشیمی پردیس در برابر بیکارسازیها، تجمع اعتراضی تعدادی از کارکنان و کارگران منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس در برابر خصوصی سازی ها و خطر بیکار شدن از کارشان، تجمع اعتراضی کارگران شرکت سپنتا مقابل فرمانداری اهواز به خاطر ماهها دستمزد پرداخت نشده، اعتصاب چند روزه کارگران پتروشیمی اروند در اعتراض به کاهش حقوقهایشان، تجمع اعتراضی کارگران اخراجی کارخانه فروآلیاز انا علیه اخراجها، تجمع اعتراضی کارگران شرکت

گلیس ابهر برای چندمین بار به خاطر تعویق پرداخت مزدشان، مهلت ۱۵ روزه معاون پارلمانی وزیر به کارکنان شرکتی های مخابرات به خواست مستقیم شدن قراردادهایشان، تجمع اعضای تعاونی مسکن کارکنان شرکت ملی نفت در اعتراض به تخلف در وعده‌های داده شده به آنان، اعتراض کارگران پیمانکاری ماشین سازی اراک به نحوه محاسبات مطالبات مزدی شان، اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری بیجار در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق، تجمع اعتراضی تعدادی از کارکنان اپراتور پست های فشار قوی برق استان کرمان در اعتراض به سطح ناچیز دستمزدهایشان در مقابل شرکت برق منطقه ای استان کرمان، تجمع اعتراضی مجدد کارگران کارخانه آونگان اراک در اعتراض به بلاتشکیلی شغلی و معیشتی مقابل استانداری مرکزی و ...

دنیا باید از اعتراض به نقض ...

اسلامی در ایران قطع کنند. باید جمهوری اسلامی در جهان طرد و منزوی شود و سران حکومت به جرم کشتارهای دهه شصت، قتل‌های زنجیره ای، ترور مخالفین، اسیدپاشی بروی زنان، سرکوب بهائیان و اهل سنت و دراویش و همه منسوبین به مذاهب غیر حکومتی، و هزاران جنایات دهشتناک دیگر علیه کارگران، زنان و جوانان به محاکمه کشیده شوند. این هدف اصلی جنبش دادخواهی و یک خواست پایه ای توده مردم ایران است.

از ابتدائی ترین نیازها و خواسته‌های انسانی، در تناقض است. از نظر مردم ایران که دست اندرکار بچالش کشیدن حکومت و دادخواهی از کشتارهای دهه شصت هستند محکوم کردن "نقض حقوق بشر" در ایران کافی نیست، باید کل حکومت جمهوری اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت محکوم کرد. سازمان ملل، همه نهادهای بین المللی و همه دولت‌های مدعی دفاع از حقوق بشر باید روابط دیپلماتیک خود را با حکومت

DEATH PENALTY MUST BE ABOLISHED!

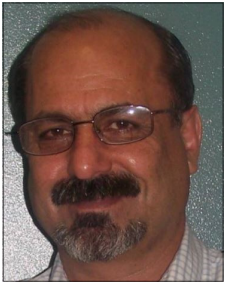


۵/۱/۱

سخنرانی در مراسم یادمان شاهرخ زمانی و کورش بخشنده در تورنتو

چند مشخصه مهم جنبش کارگری ایران در دهه اخیر

محسن ابراهیمی



با سلام به همه شما عزیزان و خیلی خوش آمدید

امروز این جا جمع شده ایم تا یاد دو فعال و رهبر کارگری کمونیست، خوشنام و محبوب را گرامی بداریم که تا پای جان با یکی از هارتترین و ضد کارگرتترین حکومت‌های سرمایه داری جهان معاصر مبارزه کردند.

دو رهبری که هم در زندگیشان و هم در مرگشان خار چشم جمهوری اسلامی سرمایه بودند.

این حقیقت را تشییع جنازه باشکوهشان نشان داد که در آن جمعیتی زیاد به تهدید پاسداران اسلامی اعتنا نکردند و با شعار "شاهرخ معلم ماست، راه شاهرخ راه ماست" و سرود انترناسیونال رهبران سرسخت و محبوب خود را بدرقه کردند.

ظاهرا شاهرخ و کورش به مرگ طبیعی در گذشته اند. اما چه کسی نمیداند که این پاسداران سرمایه بودند که در چهره شاهرخها و کورشها کابوس مرگ خود را می دیدند و به هر قساوتی و هر رذالتی دست میزدند تا صدای بلند این رهبران را خاموش کنند.

فراموش نکنید که شاهرخ که حتی یک روز هم ورزش در زندان را فراموش نمیکرد یکبار سکنه مغزی میکند. او بارها هشدار داده بود که از طرف بازجویانش تهدید به مرگ شده بود "به صورتی که هیچکس بویی هم نبرد!"

در مورد کورش هم فقط مکان سکنه قلبی اش خارج از زندان بود اما میدانیم که حکومت پاسدار سرمایه پیش از سکنه قلبی او از تعقیب و زندانی کردن و آزارش حتی بعد از عمل باز قلب هم دست برنداشته بود. قاتلان اصلی این دو رهبر کارگری بی تردید حکومت اسلامی سرمایه است.

اجازه بدهید در این وقت کم به چند مشخصه مهم جنبش کارگری اشاره بکنیم که زندگی و مبارزه این دو رهبر کارگری هم تجسمی از آنهاست.

(۱) میدانیم که به یمن دیکتاتوری

سلطنتی و اسلامی طبقه کارگر ایران از یکی از مهمترین و حیاتی ترین ابزارهای مبارزه خود یعنی تشکل و مخصوصا تشکل سراسری توده ای محروم است.

در سالهای اخیر تلاش برای متشکل شدن به اشکال مختلف به یک نقطه مرکزی جدال میان رهبران کارگری و حکومت سرمایه داران تبدیل شده است. کورش و شاهرخ دو نمونه از تعداد زیادی رهبران کارگری هستند که از تلاش برای متشکل کردن طبقه خود خسته نمیشدند حتی زمانی که احکام سنگین دستگاه قضایی ضد کارگر بالای سرشان بود یا در زندان بودند.

(۱) جنبش کارگری ایران در نیم قرن بعد از کودتای ۲۸ مرداد همیشه از داشتن چهره های سیاسی شناخته شده محروم بوده است. اما در دهه اخیر ابراز وجود شخصیت‌های کارگری به یک پدیده جدی سیاسی تبدیل شده است. رهبرانی که اسمشان، زندگینامه شان، فعالیت‌هایشان نه فقط در ایران بلکه در سطح جهان شناخته شده است. رهبرانی که امروز در میان بخش‌های مهمی از طبقه کارگر جهان شناخته شده هستند.

زمانی هر دگر اندیش دمکرات و ملی - اسلامی که مثلا با دوستان سابقش در حکومت شاخ به شاخ میشد و گلزش به زندان میافتاد فوراً تعداد زیادی صاحب در نهادهای حقوق بشر و بی بی سی و صدای آمریکا پیدا میکرد که برایش کمپین راه میانداختند درحالیکه همانوقت ممکن بود فعالین کارگری زیادی در زندانهای حکومت در بند بودند بدون اینکه رسانه ای در موردشان حرف بزند.

این دوره به گذشته تعلق دارد. جنبش کارگری ایران در این قلمرو خیز بزرگی برداشته است. علیرغم سرکوب شدید تشکلهای زیادی را سازمان داده و دهها رهبر کارگری بیرون داده است.

طبقه کارگر با چهره های سرشناسش در ایران و جهان نمایندگی میشود و فوراً میتواند حمایت جهانی کسب کند. آخرین نمونه بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی بود که توجه زیادی را به مطالبات و

جایگاه جنبش کارگری جلب کرد. کورش و شاهرخ هم دو تا از این چهره های محبوب کارگری بودند که یادشان همیشه گرامی خواهد بود.

روشن است که طبقه کارگر با چهره های سرشناس چپ و رادیکالش بهتر میتواند جنبش کارگری و مطالباتش را در سطح جامعه نمایندگی کند و بهتر و موثرتر میتواند در روندهای سیاسی جامعه دخالت کند.

(۳) یک مشخصه جدید تجمعات و اعتراضات متحد و سراسری است. اگر چه هنوز خیلی از اعتراضات و اعتصابات پراکنده هستند اما فعالین و رهبران کارگری توانسته اند روی خواسته های مشترک تاکید کنند و اعتراضات متحد و سراسری مهمی را سازمان دهند.

چند نمونه زیر که در سالهای اخیر رخ داده اند:

تجمع اعتراضی سراسری معلمان بازنشسته در مقابل مجلس و نهادهای دولتی در همین هفته.

تجمع و اعتصاب همزمان کارگران معادن در کرمان و کوهناب، آزادشهر و رامیان.

تجمع کارگران پتروشیمی های ماهشهر، عسلویه و هلدینگ خلیج فارس در مقابل وزارت نفت و مجلس.

اعتراض همزمان کارگران پتروشیمی های اراک، تبریز، اصفهان

(۴) یک پدیده نوین و بسیار مهم حضور خانواده های کارگری در اعتراضات کارگری است.

حضور خانواده ها قدرت جنبش کارگری کارگری را چندین برابر میکنند. اعتراض کارگری را سرعت به کوچه و خیابان و جامعه وصل میکند و برای حمایت از آن سمپاتی بخش وسیعی از جامعه را جلب میکند. درست به همین دلیل کارفرماها و حکومتشان بشدت از حضور خانواده ها در کنار کارگران هراس دارند.

در سالهای اخیر تعداد زیادی اعتراض کارگری وجود داشته که خانواده ها در آنها نقش داشته اند.

نمونه ها:

اعتراض کارگران سنگ معدن بافق

با حضور خانواده ها برای آزادی همزمانشان که استاندار و امام جمعه و نهادهای سرکوب را مجبور به عقب نشینی کرد.

اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه، کیان تایر، پتروشیمی ها که خانواده ها در آنها حضور داشتند.

اعتراض بازنشستگان فولاد که در آن ۵۰۰۰ کارگر بازنشسته همراه با خانواده شان به نمایندگی از ۹۰ هزار بازنشسته شرکت داشتند.

کارگران آلومینیوم المهدی در بند عباس که به خانواده ها و مردم شهر فراخوان دادند و ۳۰۰۰ نفر در تجمعشان در مقابل استانداری شرکت کردند.

(۵) یک وجه مشخصه اعتراضات کارگری اخیر درگیری با نهادهای دولتی است.

میدانیم در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی هر اعتراض ساده کارگری میتواند فوراً با دخالت دولت و نیروهای سرکوبش مواجه شود و شکل تقابل کارگران با دولت و نهادهای دولتی به خود بگیرد.

علاوه بر این، سالهاست که فعالین و رهبران کارگری رادیکال اعتراضات را از محدوده محل کار بیرون میبرند و به مقابل نهادهای دولتی سرمایه مثل مجلس و دفتر رئیس جمهور و وزارت کار میکشند. میدانند که طرف حساب سیاسیشان حکومت

سرمایه است. چنین اعتراضاتی عملاً پیش در آمدی برای روبرویی سراسری با کل قدرت سیاسی هستند که دیر یا زود فرا خواهد رسید.

(۶) در سالهای اخیر رهبران کارگری چپ و کمونیست به هر مناسبتی در قامت سخنگوی رهایی کل جامعه ظاهر شده اند.

آنها با صراحت از حقوق کودکان، آزادی و برابری زنان، آزادی زندانیان سیاسی، جنبش علیه اعدام، آزادی بیان، بهداشت و درمان رایگان برای همگان و غیره دفاع کرده اند.

رهبران کارگری از جمله شاهرخ و کورش امضا کننده بیانیه ها و قطعنامه هایی مثل قطعنامه های اول مه هستند که در آنها مثل سخنگوی طبقه و جنبشی ظاهر شده اند که میخواهد همه جامعه را از

هرگونه نابرابری و ستم و تبعیض نجات دهد.

(۷) میدانیم که معمولاً در بحرانهای حکومتی فوراً سر و کله چند دوجین حزب سیاسی (اسلامی، ملی، ملی اسلامی، دمکرات، ناسیونالیست) پیدا میشود که به نام همه ملت میخواهند سر کارگر و اکثریت محروم جامعه کلاه بگذارند و عملاً نظم طبقاتی حاکم را نجات دهند.

در کنار سرکوب حکومتی همینها به هزار و یک نیرنگ سیاسی دست میزدند تا کارگر حزب گریز شود؛ تا فعالین و رهبران کارگری در حزب رادیکال و کمونیست متشکل نشوند؛ تا طبقه کارگر نتواند دست به قدرت سیاسی ببرد؛ تا طبقه کارگر به نیروی جنبشهای غیر کارگری تبدیل شوند.

اما علیرغم همه این تلاشهای اردوی سرمایه، تعداد زیادی از رهبران و فعالین رادیکال و کمونیست به جایگاه حیاتی حزبی رادیکال و کمونیست در مبارزه رهاییبخش خود واقفند و صمیمانه تلاش میکنند تعداد هر چه بیشتری از فعالین کارگری در حزبی با برنامه و هدف رهایی از نظام کار مزدی متحد شوند.

تلاش برای تحزب سیاسی کمونیستی یک گرایش بسیارزنده در میان رهبران رادیکال و سوسیالیست کارگری است.

به عنوان کلام آخر، همه مشخصه هایی که در بالا اشاره کردم، مشخصه ها و دغدغه های یک جنبش و سنت رادیکال، چپ و سوسیالیستی است. کورش و شاهرخ هم در این سنت جای داشتند و تا پای جان برایش مبارزه کردند.

یادشان گرامی باد

توضیح: این متن پیشنویس و مبنای سخنرانی در مراسم بزرگداشت شاهرخ زمانی و کورش بخشنده است که در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۹۵ - سوم اکتبر ۲۰۱۶ در شهر تورنتو برگزار شد.

سال تحصیلی جدید، اعتراضات دانشجویی، حق تحصیل رایگان و تغییر وضعیت موجود

پرسش از کیان آذر



فضای دانشگاه‌ها همواره بعنوان یکی از فعالترین بخش‌های مطالباتی و اعتراضی جامعه ایران مرتباً خواسته‌های کل جامعه را مطرح کرده است و علیه سیاست‌های اتخاذ شده از طرف حکومت معترض بوده‌اند. یک مطالبه وسیع و عمومی در جامعه وجود دارد که حق تحصیل رایگان را مرتباً مطرح می‌کند و خواهان تحصیل رایگان در مقاطع مختلف تحصیلی می‌باشد. بدروستی در شانزده آذر سال گذشته دانشجویان این مطالبه را با عنوان "دانشگاه خصوصی نمی‌خواهیم" و "آموزش رایگان حق مسلم ماست" مطرح کرده‌اند و با اعتراض خود نسبت به شرایط موجود و فضای سرکوب موجود در دانشگاه‌ها و جامعه، اعلام کرده‌اند که این شرایط

صفحه ۹

کرده است و تحصیل را برای درصد بالایی از جامعه ناممکن و یا بسیار دشوار کرده است. در ادامه اتخاذ طرح‌ها و تصمیماتی همچون در نظر گرفتن دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بعنوان نیروی کار مجانی و ارزان برای کارفرمایان از جمله سیاست‌هایی است که تحصیل و اساساً زندگی را برای دانشجویان بسیار دشوار کرده است. در همین راستا ادامه قرارداد فضای فشار روی فعالین از طریق نهادها و ارگانهای مختلف سرکوب از دیگر ویژگی‌های این دوره بوده است. اعتراضات در دانشگاه‌های مختلف در همان هفته اول بازگشایی دانشگاهها نشان دهنده پتانسیل بالای اعتراضی در بین دانشجویان است و عزم آنان برای تغییر وضعیتی که در بالا اشاره کردم و جمهوری اسلامی آنرا ایجاد کرده و سعی در تداوم آن دارد.

انترناسیونال: وضعیت دانشگاهها را چگونه می‌بینید و صحبت شما خطاب به دانشجویان چیست؟
کیان آذر: دانشجویان و مشخصاً

انترناسیونال: اعتراضات دانشجویی در اولین روزهای شروع سال تحصیلی بیان‌کننده چیست؟
کیان آذر: سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز میشود که نسبت به دوره‌های گذشته بخش عظیمی از مردم ایران و بموازات جوانان و دانشجویان از نظر اقتصادی و اجتماعی در شرایطی بدتر بسر می‌برند و محرومیت‌های بیشتری را متحمل میشوند. تامین هزینه زندگی و تحصیل بسیار سختتر شده است. عملکرد و تصمیم‌گیری‌های مختلف جمهوری اسلامی در جهت حفظ شرایط موجود و ساماندهی حفظ سودآوری بیشتر برای حاکمین است و نیز فضای سرکوب و فشار روی فعالین جنبش‌های مبارزاتی را حفظ کرده تا با کنترل مضاعف، شرایط و وضعیت موجود حفظ شود. سیاست خصوصی‌سازی در جامعه و مشخصاً در حوزه‌های تحصیلی صدمات جبران‌ناپذیری را به بخش آموزشی جامعه ایران زده است و اساساً آموزش و پرورش و آموزش عالی را تبدیل به بنگاه اقتصادی

مردم مریوان راه نشان می‌دهند

کارگران کولبر مرزی:

فراخوان به اعتصاب عمومی در بانه

عبدل‌گیریان

مریوان نیست بلکه سالانه صدها نفر از شهروندان در سراسر کشور بدلیل خرابی جاده‌ها، عدم برخورداری از استانداردهای عبور و مرور خودروها جان خود را در جاده‌های مرگ از دست می‌دهند. مسئله نا امنی جاده‌های مرزی در ابعاد جغرافیای ایران است که میتواند بشکل یک کمپین اعتراض سراسری علیه لایقیدی و بی‌توجهی کاربردستان حکومت اسلامی بیدان آید. در این مرحله از حرکت اعتراضی مردم مریوان چند مسئله حائز اهمیت است.

خواست آزادی دستگیر شدگان. هرچه زودتر باید دستگیر شدگان تظاهرات روز پنجشنبه در مریوان بدون قید و شرط آزاد شوند. ادامه تجمع و اعتراضات مردم علاوه بر پیگیری خواست اصلی آنان مبنی بر رسیدگی جدی و فوری به جاده مریوان، تجمع و اعتراض در مقابل فرمانداری و دیگر نهادها برای آزادی دستگیر شدگان را نیز می‌طلبد.

کارگران کولبر مرزی در فراخوانی از مردم شهر بانه و از کسبه و مغازه داران خواسته‌اند که روز شنبه ۱۷ مهر در پاسخ به این فراخوان دست به اعتصاب عمومی بزنند. فراخوان کولبران مرزی در اعتراض به تیراندازی ماموران رژیم اسلامی بسوی آنان، عدم امنیت در کار و زندگی شان، عدم برخورداری از کار یا بیمه بیکاری، برسمیت شناخته نشدن شغل کولبری که از سر ناچاری به آنان تحمیل شده و دهها خواست دیگر از مطالبات کارگران کولبر مرزی است. حمایت و پشتیبانی از ادامه اعتراضات و تظاهرات مردم مریوان و حمایت و پشتیبانی از فراخوان کارگران کولبر مرزی و

دو حرکت اعتراضی و کوبنده مردم مبارز شهر مریوان در روزهای سه شنبه ۱۳ مهر و پنجشنبه ۱۵ مهر به عدم امنیت جانی درجاده مریوان سنجند و حرکت‌های اعتراضی تا کنونی با جسارت و شهامت کم نظیری به نمایش گذاشته شد و عرض اندام کرد. وزیر راه، استاندار کردستان، فرماندار مریوان، نماینده رژیم در مجلس اسلامی همپای نیروی انتظامی بصف شدند تا با وعده و فریب مانع از اعتراض بحق مردم معترض و خشمگین شوند اما ناکام ماندند. در تظاهرات و اعتراضات روز پنجشنبه، مردم مبارز مریوان سد نیروهای امنیتی و سرکوب رژیم را شکستند و نشان دادند که خشم و اعتراض آنان قادر است صف نیروی انتظامی را کنار بزند. تجمع و تظاهرات روز پنجشنبه مردم مریوان کوبنده تر و گسترده تر با شرکت هزاران نفر تا نیمه های شب ادامه داشت. مردم مریوان همچون هر اعتراض دیگری که در ماهها و سالهای گذشته تا کنون از خود نشان داده‌اند، پیشقراول این حرکت انسانی برای حفاظت از جان شهروندان شدند. در جریان این تظاهرات ماموران سرکوب رژیم تعدادی از شرکت کنندگان همراه با چند نفر از فعالین کمپین اعتراضی را دستگیر کردند. روز جمعه ۱۶ مهر مردم مریوان برای آزادی دستگیر شده گان و برای رسیدگی به وضعیت جاده مریوان از سوی کاربردستان حکومت، تجمع و تظاهرات خود را ادامه خواهند داد. اعتراض به وضعیت نا امن در جاده مریوان تنها ویژه جاده



اعتصاب عمومی در شهر بانه، وظیفه مبرم و مهم مردم شهرهای کردستان و دیگر شهرها است. اعتراضات مردم مریوان و فراخوان اعتصاب و اعتراض کارگران کولبر مرزی در بانه بهمیدگر مربوط و وصل هستند. مسئله امنیت جانی شهروندان محور اصلی این اعتراضات است که مسئله ای عمومی و سراسری در ابعاد کشور است. با حرکت‌های اعتراضی، با تظاهرات گسترده و اعتصاب باید کاری کرد که مقامات و مفتخوران حکومت اسلامی را وادار به زانو زدن و پاسخگویی به مطالبات مردم کرد. مردم مریوان راه نشان میدهند. در همه شهرها و در همبستگی با این اعتراضات با تمام توان باید از آن حمایت کرد.

فقط ۷ درصد از بیکاران کشور "بیمه بیکاری"!

عرصه دائمی اعتراض در کارخانجات اعتراض علیه بیکارسازیهاست. خواستهای سراسری ای چون افزایش دستمزدها به بالای خط فقر، تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان و مسکن مناسب برای همه بیشتر به جلو کشیده شده و مشخصا در اعتراضات معلمان، کارگران، بازنشستگان در دو سه ساله اخیر میتوان این پیشروی را دید. بعلاوه اعتراض علیه بیکاری دارد در اشکال سازمانیافته تری راه خود را پیدا میکند. نمونه هایی چون اعتراضات جوانان بیکار در ماهشهر، آبادان، شهررویی بهبهان طلایه هایی از چنین حرکتی است. این خیل عظیم بیکاری که نیمی از آنرا جوانان تشکیل میدهند، امروز يك بمب انفجاری اعتراض در جامعه هستند. جنبش علیه بیکاری، جنبشی است که زمینه حمایت اجتماعی دارد و با اتکا به این نیروی عظیم اجتماعی میتوان به تدارک آن رفت.

آموختگانی که وارد بازار کار میشوند، کاری وجود ندارد و بحث بر سر بحران بیکاری جوانان و سونامی بیکاری است، محرومیت جمعیت عظیم بیکاران از يك بیمه بیکاری مکفی و در کنار آن بیمه های اجتماعی دیگر، مساله بیکاری را به يك فاجعه بزرگ اجتماعی تبدیل کرده و دامن بسیاری از خانواده ها را گرفته است.

خارج شدن کودکان هر چه بیشتري از چرخه تحصیل، گرسنگی مزمن کودکان و بالا رفتن آمار بیماری و مرگ و میر بر اثر سوء تغذیه، بالا رفتن آمار خودکشی و اعتیاد در جامعه، به هم ریختن شیرازه خانواده ها و بالا رفتن میزان تن فروشی گوشه هایی از این فاجعه عظیم اجتماعی است که هر روزه قربانی میگردد.

در مقابل این وضعیت جنبش پر تپش کارگری را داریم و يك

بیمه داشته باشد و مدت پرداخت آن هم به سابقه پرداخت بیمه اش بستگی دارد که حداکثر ۳۶ ماه برای بیمه شدگان مجرد و ۵۰ ماه برای بیمه شدگان متأهل و متکفل خواهد بود. کاری هم به این ندارند که بعد از اتمام این مدت، چه بر سر کارگری که از کارش بیکار شده، می آید. آنوقت در شرایطی که حداقل ۹۰ درصد قراردادهای موقت و بصورت پیمانی است، کسب چنین شرایطی برای کارگران دشوار و بسیاری از شمولیت آن خارج می ماند. بدین صورت است که چندراز "بیمه بیکاری" جمهوری اسلامی تنها شامل هفت درصد کارگران بیکار میشود.

بدین ترتیب در شرایطی که اقتصاد جمهوری اسلامی به مرز فلج شدن رسیده است. هر روز کارخانجات بیشتری به تعطیلی کشیده شده و کارگران بیشتری از کار بیکار میشوند، برای دانش

تعریف سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۴، "مقرری بگیر بیمه بیکاری عبارت است از بیمه شده ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده کار باشد". و این به این معناست که تمامی کارگران بیکار شامل این بیمه نمیشوند. بلکه چندرغازی که داده میشود در واقع بهایی است که کارفرمایان و دولت برای بیکارسازی کارگران می پردازند. البته همین را هم کارگران با مبارزاتشان به جمهوری اسلامی تحمیل کرده اند و میزان آن حتی از حداقل دستمزد کارگران که خود چند بار زیر خط فقر است کمتر است و بنا بر قانون میزان آن ۵۵ درصد میانگین حقوق دو ماهه آخر بیمه شده است. با این تصره که به ازای هر يك از افراد تحت تکفل (حداکثر تا ۴ نفر) ۱۰ درصد به آن اضافه می شود. که البته رقم نهایی اش نباید از ۸۱۲ هزار تومان کمتر و از هشتاد درصد میانگین دو ماه آخر حقوق کارگر بیشتر باشد. بگذریم که پرداخت همین را هم در بسیاری از اوقات چند ماه چند ماه به تعویق می اندازند. که برای شمولیت همین مبلغ بسیار ناچیزی که به اسم بیمه بیکاری میپردازند، باید از هفت خوان رستم گذشت.

از جمله بنابر قانون فاشیستی جمهوری اسلامی کارگران افغانستانی و تبعه کشورهای خارجی از آن محرومند. بعلاوه بیمه شده برای شمولیت بیمه بیکاری قبل از بیکار شدن حداقل باید ۶ ماه سابقه پرداخت حق

خسرو صادقی بروجنی طی نوشته ای به عملکرد "بیمه بیکاری" بر مبنای قوانین داخلی و بین المللی پرداخت و با آوردن آمارهایی از سوی مرکز آمار ایران حقایقی را به مقابل چشم می آورد که مهمند. از جمله این نوشته به بررسی آماری سازمان تأمین اجتماعی اشاره کرده و گزارش میدهد که در سال ۹۴ تعداد کل مقرری بگیران "بیمه بیکاری" تنها ۱۹۱۶۳۰ یعنی هفت درصد کل جمعیت بیکار کشور بوده اند. که از این تعداد ۲۴ درصد زنان بیکار و باقی مردان بیکار بوده اند. و این درحالیست که میزان بیکاری بنا بر بررسی مرکز آمار ایران در این سال ۲ میلیون و ۷۲۹ هزار نفر برآورد شده است.

بگذریم که چقدر این آمارها با حقیقت تلخی که در جامعه وجود دارد و با ابعاد فاجعه بار بیکاری تطابق دارد یا ندارد، نفس اینکه حتی بنا بر همین آمارهای کذایی از مقرری ای که تحت عنوان "بیمه بیکاری" و با هزار شرط و شروط پرداخت میشود، فقط ۷ درصد برخوردارند، به معنای محرومیت جمعیت میلیونی بیکاران جامعه از بیمه بیکاری و هر گونه تأمین است.

واقعیت اینست که در ایران کارگران بیکار از بیمه بیکاری و از هر گونه تأمین دیگری چون درمان رایگان، امکانات برای تأمین مسکن و تحصیل رایگان برای فرزندانشان محرومند. واقعیت اینست که بیمه بیکاری جمهوری اسلامی اصلا ربطی به بیمه بیکاری ندارد. از جمله بنا بر

سال تحصیلی جدید...

از صفحه ۸

باید تغییر کند و به پایان برسد. استراتژی ما در سازمان جوانان کمونیست نسبت به همبسته شدن و متشکل شدن دانشجویان برای تغییر شرایط موجود است و خاطر نشان میکنیم که با اعتراض، تشکل و فعالیت جمعی است که میتوان این وضعیت را تغییر داد. تغییر شرایط

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هدف است و باید دانشجویان سازمانده و پیشرو با سازمان دادن فعالیتها در دانشگاه ها سال تحصیلی جدید را تبدیل به دوره جدیدی از مبارزه بخش وسیعی از دانشجویان با شرایط موجود کنند. باید با شعار "نه به خصوصی سازی دانشگاه ها"، "حق تحصیل رایگان"، "نه به تفکیک جنسیتی و نه به حجاب" و "نه به سرکوب" به تقابل با این شرایط رفت.

هشدار به ایرانیان آزادیخواه در تورنتو!

باید در مقابل تحرک جمهوری اسلامی در خیابانهای تورنتو بایستیم!

حکومت اسلامی در داخل همچنان جنایت میکند و منفور است

مردم میخواهند از شر حکومت و قوانین اسلامیش راحت شوند

نسل جوان آیت الله های میلیاردر و خرافات مذهبییشان را دست می اندازند

حکومتی که در داخل ایران زیر پایش خالی میشود میخواید در خارج پایش را محکم کند

حکومتی که جوانان در داخل عاشورایش را به حسین پارتی تبدیل میکنند میخواید بساط سینه زنی در تورنتو راه بیناندازد

باید در مقابل دار و دسته های خارج کشوری حکومت اسلامی بایستیم!

ایرانیان آزادیخواه مقیم تورنتو:

اگر میخواید هر چه زودتر شر حکومت اسلامی از سر مردم ایران و جهان کم شود

اگر میخواید آقازاده های اسلامی و پادوهای سفارتی و بورسیه ای حکومت در تورنتو میداندار نشوند

اگر میخواید اسیدپاشی اسلامی را به خیابانهای تورنتو گسترش ندهند

اگر میخواید به مبارزه کارگران، زنان و جوانانی که با يك رژیم خونخوار در داخل ایران مبارزه میکنند بیونندید

به صف اعتراض علیه تحرک جمهوری اسلامی در تورنتو بیونندید!

و به مراسم سیاسی سینه زنی حکومت اسلامی در تورنتو اعتراض کنید

زمان: ۱۲ اکتبر ۲۰۱۶ ساعت ۹ صبح

مکان: میدان مل لستمن (ضلع جنوبی)

حزب کمونیست کارگری ایران - تشکیلات شرق کانادا

۶ اکتبر ۲۰۱۶

گرامی باد روز جهانی کودک

روز جهانی کودک را به همه انسانهای کودک دوست تبریک می‌گوییم. جهانی شاد و ایمن حق همه کودکان است. این جهانی است که باید به نیروی اراده و عزم ما برای کودکان ساخته شود. جهانی فارغ از بردگی مزدی و نابرابری برای همه کودکان ضروری ترین اقدام بشریت متمدن است.

جهان هیچگاه این چنین برای کودکان ناامن و مملو از خشونت نبوده است. جنگ و فرار و آوارگی مصیبت بار کودکان، در جهان سراسر پر از تبعیض و نابرابری به بخشی از حرمان بی پایان زندگی میلیونها کودک بدل شده است.

علیرغم ادعاهای پوچ دولتها، نه تنها از ابعاد کار حرفه‌ای کودکان، ازدواج کودکان، استفاده جسنی از کودکان، بیماری و مرگ و میر کودکان، سوء تغذیه و محرومیت از دسترسی به آموزش و... کاسته نشده است که روز به روز وضعیت کودکان در سراسر جهان رو به

وخامت بیشتر گذاشته است.

در جمهوری اسلامی ایران، دست دراز شده مذهب و قوانین و ارتجاعی در زندگی کودکان، مانند جهنم زیر پای کودکان دهان گشوده است. گرانی، بیکاری و بی تأمین خانواده‌ها مستقیماً زندگی میلیونها کودک را به ورطه نابودی کشانده است. سوء تغذیه آشکار صدها هزار

کودک را به کام مرگ تدریجی کشانده است. آموزش و پرورش مملو از تبعیض و نابرابری، سبب محروم شدن بیش از هفت میلیون کودک و نوجوان از چرخه آموزش شده است. در حالیکه هیچ منبع و مرجع قانونی و دولتی برای دفاع از حقوق کودکان وجود خارجی ندارد. مدافعین حقوق کودکان، مداوماً با پیگرد قضایی و زندان روبرو می‌شوند.

مدافعین سرشناس و محبوب حقوق کودکان، بهنام ابراهیم زاده، سعید شیرزاد، آتنا فرقدانی، آتنا داثی، امید علیشناس و... به جرم دفاع از حقوق برابر کودکان به زندانهای طویل‌المدت

محکوم گشته‌اند.

علیرغم همه اربابها و ممنوعیت‌های قانونی، اما جامعه تصمیم قاطع گرفته است که به دفاع از کودکان برخیزد. جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادارد و با خواسته‌های انسانی، جهانی شاد، خلاق و ایمن را برای کودکان مهیا کند.

روز جهانی کودک روز اعلام کيفرخواست جهان متمدن علیه بربریت و کودک ستیزی حکومت‌ها، دولتها، مذاهب و سنن عقب مانده است.

نهاد کودکان مقدمند، با طرح خواسته‌های فوری، همه نهادها و فعالین دفاع از حقوق کودکان را به ساختن جهانی شاد و ایمن، فرا می‌خواند:

۱- تضمین و تامین امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و درمانی کودکان برابر آخرین استانداردهای جهانی بوسیله دولت. دولت موظف است استانداردهای واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی

کودکان و نوجوانان را، در بالاترین سطح ممکن، تضمین کند و کمک هزینه های لازم و خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی را مستقل از وضعیت خانوادگی کودکان و نوجوانان تامین کند.

۲- ایجاد مهد کودکهای مجهز و مدرن به منظور برخورداری همه کودکان از يك محیط زنده و خلاق تربیتی و اجتماعی، مستقل از شرایط خانوادگی.

۳- تضمین حقوق برابر برای همه کودکان صرفنظر از محل تولد، انتساب به ملیت یا مذاهب مختلف. ممنوعیت هر نوع تبعیض علیه کودکان دختر و پسر، مهاجر و غیر مهاجر و کودکانی که داخل یا خارج ازدواج بدنيا آمده باشند.

۴- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان

۵- لغو کلیه قوانین قصاص و اعدام در مورد کودکان، ممنوعیت نگهداری کودکان در زندان. ایجاد مراکز بازآموزی با امکانات رفاهی، آموزشی و پرورشی مدرن همراه با کمک های مؤثر پزشکی و روانپزشکی برای نوجوانان بزه‌کارها هدف بازگرداندن زندگی شایسته به آنان.

۶- ممنوعیت حجاب کودکان!

۷- کودک مذهب ندارد. کودکان باید از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باشند. جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه‌های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی ممنوع است.

۸- ممنوعیت دخالت مذهب

در آموزش و پرورش و لغو فوری تبعیض و تمایز در همه عرصه‌ها و سطوح آموزشی میان دختر و پسر. مختلط شدن مدارس در همه سطوح تحصیلی

۹- مقابله قاطع قانونی با استفاده جسنی از کودکان؛ حتی تحت نام ازدواج، جرم سنگین جنایی محسوب می‌شود. رابطه جسنی افراد بزرگسال با افراد زیر ۱۸ سال، ولو با رضایت آنها، ممنوع است و جرم محسوب می‌شود.

۱۰- ممنوعیت هر نوع آزار کودکان در خانواده، مدارس و موسسات آموزشی و در سطح جامعه بطور کلی. ممنوعیت اکید تنبیه بدنی. ممنوعیت فشار و آزار روانی و ارعاب کودکان.

۱۱- ممنوعیت بخدمت گرفتن کودکان در نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی.

این مطالبات فوری جنبش انسانی دفاع از حقوق کودکان در ایران و خواسته‌های حداقل و عاجل برای رهایی کودکان از محرومیت و بی‌حقوقی و دست درازی مذهب و مقابله با کودک آزاری سیستماتیک توسط جمهوری اسلامی است.

نهاد کودکان مقدمند همه انسانهایی که برای دفاع از حقوق کودکان در تلاش‌اند و کلیه تشکلهای و نهادهای مدافع حقوق کودک را به مبارزه برای تحقق این خواسته‌ها فرامی‌خواند.

نهاد کودکان مقدمند

۱۳ مهر ماه ۱۳۹۵

۴ اکتبر ۲۰۱۶

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

جمهوری اسلامی باید از نمایشگاه کتاب فرانکفورت اخراج شود!

از روز ۱۹ تا ۲۳ اکتبر امسال نمایشگاه جهانی کتاب در شهر فرانکفورت آلمان شروع به کار خواهد کرد. جمهوری اسلامی هرسال تقلاً کرده است در این نمایشگاه شرکت کند. اما هر سال با اعتراض مخالفان روبرو شده و غرفه هایش به محلی از افشارگری علیه آن روبرو شده است. امسال هم جمهوری اسلامی حضور در این نمایشگاه را تدارک دیده است.

رژیمی که کوچکترین ابراز مخالفت سیاسی و فرهنگی را با زندان و اعدام جواب میدهد، رژیمی که آزادی بیان و نشر افکار و عقاید را رسماً ممنوع کرده، هزاران نفر را به جرم مخالفت با حکومت و بجرم داشتن عقاید دیگر زندانی، شکنجه و اعدام کرده است، حکومتی که در همین زمان حاضر صدها فعال سیاسی را در زندان نگه داشته است و تنها درسه سال دولت روحانی بیش از ۲۰۰۰ نفر را اعدام کرده است، جایش در نمایشگاه کتاب نیست. حکومتی که به جرم نوشتن کتاب، فتوای قتل سلمان رشدی صادر کرده است جایش در نمایشگاه کتاب نیست.

هیچ توجیهی از قبیل «آزادی بیان و نشر» برای حضور رژیمی که کتاب میسوزاند و کتاب نویس و کتاب خوان را شکنجه و اعدام میکند و يك وزارتخانه به اسم وزارت ارشاد برای سرکوب و سانسور و تحت تعقیب قرار دادن

نویسندگان مخالف و منتقد دایر کرده است، در نمایشگاه کتاب قابل قبول نیست. مماشات دست اندرکاران نمایشگاه با نمایندگان وزارت ارشاد جمهوری اسلامی، دهن کجی آشکاره مردم ایران و به هر نوع آزادی بیان و عقیده است. جمهوری اسلامی و نهادهای به اصطلاح فرهنگی و غیر فرهنگی اش باید همه جا بایکوت شوند و از همه مجامع و نهادهای بین‌المللی و در همه کشورها بیرون انداخته شوند.

غرفه‌های تدارک دیده شده برای جمهوری اسلامی باید برچیده شود و «انتشاراتی» های جمهوری اسلامی از نمایشگاه اخراج شوند. مخالفان جمهوری اسلامی را فرامی‌خوانیم که در این نمایشگاه حضور بهم رسانند تا هم انتشاراتی های جمهوری اسلامی و وزارت ارشادش و هم مسئولین نمایشگاه بدانند که نمایشگاه کتاب جای جمهوری اسلامی و انتشاراتی هایش نیست. در این نمایشگاه شرکت کنید و علیه حکومت اعدام و سرکوب و سانسور اعتراض کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران-

آلمان

اکتبر ۲۰۱۶